

# چگونگی یگانگی نظری میان توده ای ها! تصور کن اگر حتما تصور کردنش سخته!

مقاله شماره: ۱۳ ( ۲۶ فروردین ۱۳۹۷ )  
واژه ی راهنما: سیاسی- تئوری

نشانی اینترنتی این مقاله: <https://tudehiha.org/fa/5418>

گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن  
(حافظ)

نخست باید بگویم که از اتحاد هر دسته از نیروهای مترقی بدون توجه به آمادگی، پیش درآمد، و هماهنگی برنامه و سیاست باید خشنود بود و آنرا تقویت کرد. در مورد اتحادی که به نام حزب چپ (فداییان خلق) به تازگی زاییده شده است می توان موردهای انتقادی زیادی از روند، شکل، محتوا، برنامه، تشکیلات و نوشت. ولی من با همه ی این یادآوری ها هر اتحادی را در صف نیروهای مترقی به نفع جنبش می دانم.

نیروهایی که در باره کلی ترین مسائل روز تقریباً یک جور فکر می کنند و از لحاظ تاریخی، فرهنگی به یک طیف معینی گرایش دارند می بایست زیر یک چتر جمع شوند تا توانا تر شوند.

به نظر من سیاست رسمی اعلام شده حزب توده ایران در باره این وحدت درست است. ما باید بتوانیم با نیروهای چپ همکاری بکنیم. آنها هم در مرحله براندازی رژیم ولایت فقیه و هم در پایه گذاری و سازندگی یک اقتصاد ملی- دموکراتیک از نزدیک ترین متحدان ما هستند. ولی این همکاری و همگامی تا زمانی که پایه ایدیولوژیک این دوستان کم و زیاد بر اندیشه های سوسیال دموکراسی استوار است به هیچ وجه نباید به وحدت حزب با آنها بیانجامد. این کار به خصلت طبقاتی حزب ضربه جدی خواهد زد و بنابراین باید با آن در هر شکلی مخالفت کرد.

به عنوان یک توده ای اما نمی توان به این وحدت غبطه نخورد. دسته های گوناگون توده ای ها بر خلاف آنچه که آقای فرخ نگهدار می گوید

نه تنها اشتراک ایدیولوژیک با حزب تازه چه ندارند بلکه به هم نزدیکتر هستند. آقای نگهدار باز هم با مسحور شدن شکل از دیدن مضمون پدیده باز می ماند. برای نمونه اندیشه های "توده ای ها"، "۱۰مهر"، "نویدنو"، "عدالت" و "رنگ غلیظ مارکسیست-لنینیستی دارد" که به مراتب به تشکیلات حزب توده ایران نزدیک تر است تا به برنامه سوسیال دموکراسی دیگر حزبهای قدیمی و جدید.

از بین بردن پراکندگی و ایجاد یگانگی (در وهله اول نظری) میان دسته های حزبی و گردآوردن و سازماندهی نیروهای گسیخته حول نظر واحد در یک حزب یگانه بهترین هدیه به زحمتکشان ما و بزرگترین ضربه به دشمن طبقاتی آنها است.

اما بهتر است که اکنون به جای گریه کردن برای فرصت های از دست رفته راهکاری برای برون رفت از این جو بی اعتمادی یافت. جای واقعی بیشتر رفیقان برون حزبی در کنار همزمان درونی آنها در حزب است. نمی توان در حساس ترین لحظه تاریخی میهن مان توده های رنجبر را از چشیدن میوه شیرین یگانگی بی بهره کرد.

ولی برای چیدن هر میوه ای نخست باید درختی را کاشت و پروراند. بنابراین روند وحدت تشکیلاتی توده ای ها یک روند بسیار طولانی خواهد شد و برای موفقیت خود نیاز دارد که از پیش مرحله های گوناگونی بگذرد.

در زیر تلاش می شود که ان چه را که در ذهن خود در باره ی شیوه و روند این وحدت دارم برای خوانندگان ترسیم کنم.

**پیش مرحله نخست:** این مرحله در حال حاضر با کوشش چند ساله رفیق عزیز عاصمی و با شرکت رفیق امید و رفیق آرش و با پشتیبانی رفیق محسن، رفیق ابی، رفیق احسان، رفیق ناهید و دیگر رفیقان ناشناس خوشبختانه هر چند ناپیوسته و شکننده در حال جوانه زدن است. در این مرحله باید همه ی دسته های توده ای که به سرنوشت میهن و آینده زحمتکشان آن علاقه و عشق می ورزند شرکت کنند. موضوع گفتگو باید شامل مسائل اصلی جنبش باشد و چون این یک روند گفتگو برای وحدت است باید از تهمت زدن ها، شکوه کردن از گذشته، ناله کردن از ناعدالتی های وارد شده، و خودداری کرد و با یک انضباط توده ای به این جاده ای که به ناکجاآباد می انجامد گام نگذاشت و به طور سازنده و برازنده یک توده ای در این گفتگو شرکت جست.

موضوع اصلی مورد بحث استقلال طبقاتی و سیاسی حزب توده ایران است

که شامل زیر مجموعه های مختلف در باره ی اقتصاد سیاسی از جمله بحث مرحله انقلاب بورژوا- دموکراتیک یا ملی- دموکراتیک؛ پیوند دیالکتیکی میان وظیفه دموکراتیک و وظیفه سوسیالیستی؛ پیوند دیالکتیکی میان آزادی و عدلت اجتماعی؛ جبهه های ضددیکتاتوری و جبهه متحدخلق ؛ و مبارزه ضدامپریالیستی می شود.

موضوع های دیگری همچون بررسی سیاست گذشته حزب در دوران انقلاب موضوع اصلی روز نیست و باید تا آنجا مورد بحث قرار گیرد که به روشن کردن موضوع گفتگوی کنونی یاری برساند و چاره ساز باشد.

تصوری که در ذهن من است این است که نوشته رفیقانی که در بحث شرکت دارند همزمان در همه ی سایت هایی که آرزوی وحدت دارند و می خواهند از جاده پرگویی خارج و وارد باغ پُربارعملی شوند انتشار یابد.

بستگی به روند گفتگو، تعداد شرکت کنندگان، ووو این روند می تواند طولانی و یا کوتاه باشد. باید دید چه پیش خواهد آمد. این روند به یک "مبصر" که مورد احترام اکثر ما هست نیز نیاز دارد تا در صورت خارج شدن از چارچوب بحث ما را دوباره به راه طرح شده بازگرداند.

**پیش مرحله دوم:** در این مرحله رفیقان فعال سایت های مختلف با شرکت در نشست هایی با موضوع هایی که از پیش تعیین شده است روبروی هم می نشینند؛ دست همدیگر را می فشارند؛ چشم در چشم هم می دوزند؛ با هم چای و قهوه می نوشند و به گفتگو می پردازند. سالهای زیادی گذشته است. بذر شک و تردید، تخم بی اعتمادی و مظنونیت از شرایط مناسبی برای رشد برخوردار بوده است و بی ریب دشمنان زحمتکشان نیز با آبیاری و کودپراکنی خود در دشت شبهه و بدگمانی نهال خصم را میان توده ای ها ضخیم و کلفت کرده اند. بنابراین ما به یک مرحله اعتمادسازی نیاز داریم تا دگر بار همدیگر را بشناسیم؛ با هم بخندیم و گُل همدلی و هم فکری بچینیم. این مرحله هم بستگی به شرایط رشد آن و احساس جرات شرکت کنندگان می تواند طولانی و یا کوتاه باشد.

روند و شیوه این دو مرحله باید با احترام به عضوهای کنونی حزب انجام گیرد. بسیاری از این رفیقان از خود گذشته از زندگی خصوصی، زندگی اجتماعی، موقعیت تحصیلی و رشد کاری خود مایه گذاشته اند و با کوشش های بی دریغ و شبانه روزی خود موفق شده اند که پرچم حزب را برافراشته نگه دارند. نمی توان بدون احترام و درک احساس و جلب

نظر این رفیقان ناگهان پس از سالها دوری وارد صف حزب شد و برای خود حق داشتن جایی را قائل شد. رفیقانی که به هر دلیل (بی مهری مسولان؛ خستگی از بحث های بی سرانجام؛ اولویت دادن مسائل خصوصی؛ برای رشد کاری و تحصیلی ووو) زمان درازی را در برون از صف حزب گذرانده اند نباید انتظار کف زدن ها و هورا کشیدن برای تقاضای ورود دوباره خود به حزب از طرف عضوهای کنونی حزب داشته باشند. بلکه این رفیقان برون حزبی باید با تواضع، متانت، بردباری و کار و کوشش سخت جای دوباره خود را در صف حزب بیابند و باز کنند. باید احساس شک رفیقان درون حزبی را که در سالهای دشوار گسستگی، فروپاشی، جدایی و ناامیدی در حزب مانده اند به رفیقان تازه نفس و پرنیروی که در میدان اصلی مبارزه شرکت نداشته اند درک کرد.

و از طرف دیگر رفیقان درون حزبی باید مصالح بلند مدت حزب و منافع زحمتکشان را به احساس فردی خود غالب کنند و به این نکته توجه کنند که آیا نزدیکی دسته ای از توده ای ها به سود حزب و در راه مبارزه آینده ای آزاد و بدون استثمار هست یا نیست. قابل ذکر است که با رشد جنبش حجم کارها گسترش خواهد یافت و حزب ما برای شکوفایی افتخارآفرین و انجام نیکوتر وظیفه های طبقاتی خود نیاز به همکاری رفیق های با تجربه و جهان دیده خواهد داشت. حمل بارهای سنگین بر دوش های بیشتر آسان تر است و توان مغزهای بیشتر برای واکاوی پیچیدگی های جنبش کارا تر است.

در دو پیش مرحله یاد شده که تمرکز آن به وحدت نظری و اعتماد سازی است بدون شک ما تعدادی از شرکت کنندگان را از دست خواهیم داد. تعدادی احتمالن توانایی و یا خواست اشتراک نظری با دیگران را ندارند و یا در خود نمی بینند و در همان مرحله نخست از روند جدا می شوند. به نظر من این آخرین شانس همه ی دسته ها برای دستیابی به وحدت نظری است و به سختی می توان تصور کرد که این دسته ها دوباره در زمانی دیگر به صف حزب برگردند. در مرحله اعتمادسازی هم ما احتمالن کسانی را از دست خواهیم داد. می توان تصور کرد که برخی از رفیقان به دسته ای دیگر از رفیقان آنچنان با سونیت و بی اعتمادی نگاه می کنند و نسبت به صداقت آنها شک دارند که ادامه روند را بی فایده ارزیابی می کنند و از دور مذاکره خارج می شوند.

بدین گونه همه ی ما در همه ی مرحله ها باید با جانبداری طبقاتی حتا اگر شد برای لحظه ای خود را فراموش کنیم و به طبقه هایی فکر کنیم که برای بهروزی آنها وارد مبارزه شده ایم و هم چنان هستیم. هیچ تردیدی نیست که روند یگانگی و پای گذاشتن در راه ناهموار و

پرچار سازگاری و آشتی روندی است سخت، دردناک و پر تضاریس. ولی می توان با دلاوری سیاسی و شهامت اخلاقی این کار را به انجام رساند. "آنچه در کارنامه زندگی بشری شده، از شدنی ها حکایت دارد" و این بایای تاریخ است (ا.ط).

این "ذره ذره" گفتگوی روزانه ما "یک روز بی گمان" ما را یکپارچه و همبسته می کند.

از رفیق عاصمی، رفیق آرش، رفیق امید و دیگران رفیقان خواهش می کنم که با شرکت کردن فعال در این بحث نظر خود را در این باره با توده ای ها در میان بگذارند.

۲۲ فروردین

نشانی اینترنتی این مقاله: <https://tudehiha.org/fa/5418>